



تنظیم کننده: سهیلا آقایی

مقدمه

مروری بر تاریخچه روان‌شناسی نوجوانان و جوانان در گذشته نشان می‌دهد که برای بررسی ناسازگاری و مشکلات نوجوانان و جوانان تنها خانواده، مدرسه، جامعه یا گروه همسال را به صورت تک‌بعدی مورد مطالعه قرار می‌دادند و علت مشکل را در یک عامل جست‌وجو می‌کردند. ولی دیدگاه‌های مختلف در روان‌شناسی و جامعه‌شناسی عصر جدید بر این اصل استوارند که یک عامل به تنهایی تعیین‌کننده رفتار افراد نیست، بلکه عوامل متعدد در ایجاد و شکل‌گیری رفتار نقش دارند و به دنبال آن‌اند که سهم هر عامل را در شکل‌دهی رفتار تعیین کنند.

کیسنر و کر (۲۰۰۴)، معتقدند که اکثر رفتارهای انسان تابع چند عامل‌اند. در نتیجه، مشکل رفتاری نوجوانان و جوانان نیز از این قاعده مستثنا نیست. آن‌ها از خانواده، همسالان و بافت‌های فرهنگی (مثل مدرسه)، به عنوان عوامل چندگانه اصلی تعیین‌کننده رفتار مشکل‌دار نوجوانان و جوانان نام می‌برند. برای مثال،

همسالان در مدرسه و در طی اوقات فراغت می‌توانند نوجوان را به سمت و سوی رفتار مشکل‌دار هدایت کنند و نوع برخورد والدین در خانواده و آداب تعلیم و تربیت است که می‌تواند گرایش نوجوانان به سوی همسالان را تقویت کند یا این که مانع از آن شود. علاوه بر آن، اکثر افرادی که نظریه‌های نو را مطرح کرده‌اند، تأثیرات والدین و همسالان را به صورت ترکیبی مورد ملاحظه قرار داده‌اند. در اکثر تحقیقات، بیش‌ترین سهم در تعیین عوامل یک رفتار به خانواده اختصاص داده شده است، شاید به این دلیل که خانواده اولین آموزشگاهی است که فرد آن را تجربه می‌کند و غنا و محتوای آموخته‌های او ارتباط مستقیم با عملکرد و محتوای محیط خانواده دارد. این عملکرد، نه فقط در برگزیده عواملی از قبیل امکانات رفاهی خانواده و تحصیلات والدین است، بلکه شامل رشد اخلاقی خانواده، نحوه برقراری ارتباط بین اعضا، مناسب بودن مقررات خانواده، تقسیم نقش‌ها، نحوه برخورد اعضای خانواده با مشکل (حل مسئله)، ابراز عواطف، رفع نیازهای عاطفی و غیره نیز

می‌شود (اپشتاین، بالدوین و بیشاب، ۱۹۸۳).

بخشی‌پور رودسری (۱۳۸۰) نیز با مطالعه دیدگاه‌های مختلف شبکه ارتباط انسانی بیان می‌کند که نخستین و بلا واسطه‌ترین شبکه ارتباطی، که هر یک از انسان‌ها را فرا گرفته است، «شبکه روابط خانوادگی» است. به‌طور کلی، بیماری یا مشکل روانی هر یک از افراد نتیجه صورت‌های آسیب‌شناسی روابط خانوادگی است.

علاوه بر خانواده، آموزش و پرورش نیز نهادی اجتماعی است که می‌تواند در بالندگی فرد و تبلور شخصیت وی نقشی بسیار مهم ایفا کند. مدرسه بدان دلیل در رشد شخصیت فرد نقشی حیاتی دارد که نخست در دورانی از تکامل فرد (چندی بعد از خانواده) وارد عمل می‌شود که یادگیری به سهولت انجام می‌گیرد. دوم این که در نتیجه کنترل مثبت کودک و نوجوان توسط مربیان، امر بالندگی و رشد آنان برای زندگی فردی و اجتماعی مفید سرعت می‌یابد. دانش‌آموز تنها برای مهارت‌آموزی به مدرسه نمی‌رود، بلکه مدرسه در جهت رشد، آفرینندگی و راهنمایی او وظیفه مهم دیگری، از جمله سازگاری را بر عهده دارد. لذا تأثیر محیط خانواده و مدرسه در شکل‌گیری شخصیت و بروز رفتارهای سازگاران و ناسازگاران افراد بر کسی پوشیده نیست، به‌خصوص در سنین نوجوانی و جوانی که دوران هویت‌یابی و استقلال‌طلبی است.

سان تروک (۱۹۹۷)، عقیده دارد عامل بسیار مهمی که تأثیر زندگی خانوادگی و محیط مدرسه را مشخص می‌کند، فضای عاطفی-روانی موجود در این دو محیط و تقویت مداوم رفتارها از طرف خانواده و مدرسه در حساس‌ترین سال‌های زندگی فرد، یعنی دوران نوجوانی و جوانی است.

آدامز و مونورو (۱۹۷۹) در مطالعه خود نشان دادند نوجوانانی که از خانه فرار می‌کنند، در روابط خانوادگی مشکلات ناسازگاری دارند. خانواده‌های نوجوانان فراری، اغلب نابه‌هنجار و ناسازگارند. سالاری، شاملو، هومن و پورشه‌باز (۱۳۸۱)، در پژوهشی نشان دادند که علائم افسردگی نوجوانان و جوانان با کژکاری خانواده ارتباط مستقیم دارد.

فاضلی‌نیا (۱۳۸۰) نیز در پژوهشی دریافت که طلاق و از هم پاشیدگی خانواده، تعدد فرزندان، وضعیت اقتصادی، کنترل بیش از حد فرزندان، دادن آزادی مطلق به فرزندان، ازدواج مجدد والدین و ارائه محبت افراطی به فرزندان از مهم‌ترین عوامل آسیب‌زایی اجتماعی در خانواده به شمار می‌آیند.

با توجه به اهمیت دوران نوجوانی و آسیب‌پذیری نوجوانان در مقابل حوادث فشارزا، پژوهشی که توسط آقای دکتر غلامرضا رجیبی، آقای حجت‌اله چهاردولی و آقای دکتر یوسفعلی عطاری، تحت عنوان «بررسی رابطه عملکرد خانواده و جو روانی اجتماعی کلاس با ناسازگاری دانش‌آموزان دبیرستانی شهرستان ملایر انجام شده، دو هدف زیر را دنبال کرده است:

- ۱- بررسی مشکلات و ناسازگاری‌های نوجوانان در ارتباط با عملکرد خانواده.
- ۲- سهم و مشارکت متغیرهای کارایی خانواده و جو روانی - اجتماعی کلاس در ناسازگاری دانش‌آموزان.

نتایج پژوهش

- ۱- بین عملکرد خانواده و ناسازگاری دانش‌آموزان رابطه منفی وجود دارد.
- ۲- بین جو روانی - اجتماعی کلاس و ناسازگاری دانش‌آموزان رابطه منفی وجود دارد.
- ۳- بین عملکرد خانواده و جو روانی - اجتماعی کلاس با ناسازگاری دانش‌آموزان رابطه چند گانه وجود دارد. این یافته‌ها بیانگر آن است که ناسازگاری دانش‌آموزان و روابط معیوب و مختل عاطفی، اجتماعی و آموزشی آن‌ها تا حدودی متأثر از عملکرد ناقص و معیوب خانواده و جو ناسالم و نامناسب کلاس درس است.

با توجه به رابطه منفی عملکرد خانواده و جو روانی - اجتماعی کلاس درس با ناسازگاری، این گونه به نظر می‌رسد که ضعف عملکرد خانواده باعث ایجاد عدم آرامش در فرد و ناراحتی او در جریان ارتباط با دیگران خواهد شد، زیرا فرد در ارتباط اجتماعی با دیگران حساس بوده، از خود انتظارات منفی دارد. وقتی که فرد وارد محیط‌های اجتماعی دیگری مثل کلاس و مدرسه می‌شود، به علت احساس خجالت و راحت نبودن، احساس درک نشدن توسط دیگران، احساس دوستانه نبودن رفتار خود با دیگران، تعارض و کشمکش، بی‌تفاوتی، اعتماد به نفس پایین، احساس خشم، احساس طرد شدگی، سوءتفاهم، انزوا، بیگانگی، بی‌حوصلگی و تشویش کرده، به صورت مستقیم یا غیرمستقیم سعی در ایجاد جو ناسالم و نامناسب دارد و به نوعی بر میزان ناسازگاری او افزوده خواهد شد.

نتایج این پژوهش از نظر آموزش و پرورش نیز حائز اهمیت

۳- راه‌های ایجاد جو مناسب و سالم در کلاس، در تمامی سطوح و پایه‌ها به مربیان آموزش داده شود.

۴- در تدریس مهارت‌های زندگی از افراد متخصص استفاده شود و در این کلاس‌ها راهبردهای دوست‌یابی، مقابله با خشم، مقابله با احساس شکست و یأس، مقابله با احساس تنهایی و شیوه‌های مناسب ابراز وجود و عواطف در دستور کار قرار گیرند.

۵- شیوه‌های صحیح برخورد با نوجوانان و جوانان در سنین نوجوانی و جوانی به والدین و مربیان آموزش داده شود.

منبع: فصل‌نامه علمی - پژوهشی

دانشگاه شهید چمران اهواز

بهار و تابستان ۱۳۸۶

است. اگر در مدرسه و کلاس درس جو روانی- اجتماعی سالم ایجاد نگردد و دانش‌آموزان طی سال‌های تحصیلی چنین جوی را تجربه نکنند، نمی‌توان انتظار افرادی سازگار و جامعه‌ای سالم داشت. لذا خانواده و اعضای آن، مربیان مدارس، معلمان در کلاس درس، مسئولان جامعه و نهادهای اجتماعی مرتبط با تربیت باید در تربیت دانش‌آموز سازگار تلاش بی‌وقفه داشته باشند تا جامعه‌ای سالم و سازگار داشته باشیم.

پیش‌نهادها:

۱- از آن جا که خانواده در سلامت روان و سازگاری فرزندان تأثیر فراوان دارد، کلاس‌های آموزش خانواده به صورت جدی‌تر و در سطح وسیع‌تر مورد توجه قرار گیرد.

۲- مهارت‌های ابراز وجود، ابراز عواطف، حل مسئله و برقراری ارتباط کلامی و غیر کلامی به والدین و فرزندان آموزش داده شود.

